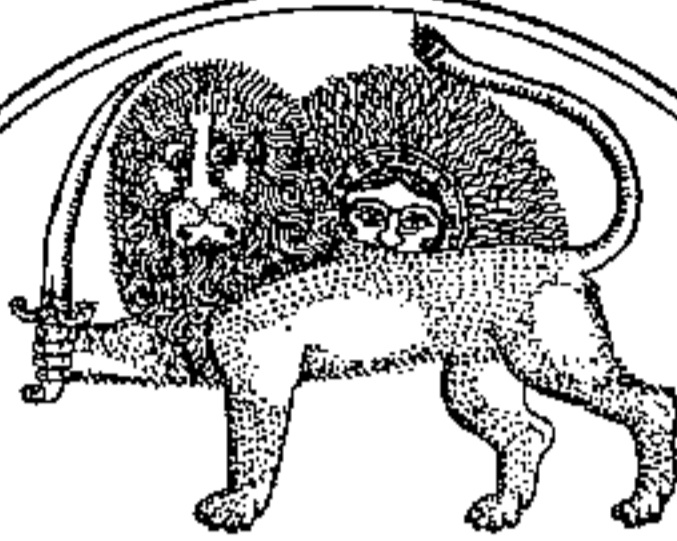


# روزنامه فایز انقابت سید شمس یوم شنبه عرّه ماسوال المکرّم مطابقت سال لومی ۱۲۷۲

منطبه دار انخلاق طهران	نزهت افروز
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
بهره پخش	پنجمه دیشهر



## اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

<p>چون بر وجود جانون زاید الوصف خوش گذشت شب دیگر رانیز درها بجا عزیمت توقف فرمودند</p> <p>ایام ماه مبارک صیام بخیر و خرمی با تمام رسیدن جمعیت دار انخلاق طهران بجهت حصول امت و غایت عامه مردم و کثرت معاملات روز بروز در تراپا است و از اطراف مالک محروسه اهل عرفه و صنعت و غیره</p> <p>به دار انخلاق آمده توطن مینمایند بدینجهت سال بسال بعبادت و سلیم در مساجد و معابد بیشتر است چنانچه در مساجد و صلوات جماعت و مجالس و عطا از سالها دیگر زیاده تر جمیع عبادت کاران و دعا گوینان</p> <p>نشد</p> <p>نظر بقابلیت شایستگی عالیجاه ترضی قلیخان ولد عالی مقام انخاقان محمد سمیع خان توری و اتهامات او در انجام خدمات محوله سجد در این اوقات موافق حکم نظامی منصب سرکنی سرفراز گردید</p>	<p>دار انخلاق طهران</p> <p>نظر بطور روزمره هم خاطر اقدس جانان سلطان علی محمد شاه در حق جناب اشرف نافع صدر اعظم در روز یکشنبه گذشته بیایع نظامیت متعلق بجناب معظّم که بحسب طرح و روح و صفات تازه و درین فصل بهار کمال خرمی تربیت دار و تشریف و ما گردیدند از جانب معظّم و جناب نظام الملک لوازم قربانیهایی و پانصد از بطور شایسته بعل آمده افطار و سحور در آنجا صرف فرمودند بعد از افطار که بعضی از ایشان عظام نیز شرفیاب حضور مبارک بودند اساس جشن و آسبازی بطرح تازه و کتیبه که معین و نمکی ختم بودند در حضور هر ظهور روشنی افزای مجلس عیش کردیده و بسیار مطبوع و سخن خاطر طوکاز افق دوازده متعلقان جناب معظّم لازم تقدیم خدمتگذاری آمده مورد تحسین و التفات خسروانی گردیدند</p>
---	---

۱۷۹۹

سارولایات  
ادریاجات و استر آباد و اسدیا  
و اصفهان و برجر و ولستام و خراسان  
و ختم و سمنان ازین ولایات در این  
اجباری نبود

عراق از قراریکه در روزنامه عراق  
مقرب انخاقان میرزا حسن خان که از دربار پهلوی  
مقر حکومت معاد دست نمود بعد از ورود با استناد  
انتظام امور ولایتی و نظم دانات خالصه اهتمام کامل  
موده است چون ال سجهت بارندگی زیاد و خرابی  
سبب بعضی رعایای خالصجات غیر متفرق شده  
و سجاای دیگر فتنه بودند آنها را دستاورد تخفیف  
و دد معاش الطینان و خط جمعیه داده باو طمان  
و اماکن خود در اجبت کرده مشغول عیسی خود هستند  
و که خدایان در رعایای کل بلوک عراق را از کرا  
و فرمان و شراه و خنجستان سلطان آباد سجهت قرار  
داد و دست بده استند خواسته و اما لی بلوک میوه  
می آیند و با مور هر فرقه رسیدگی کامل نموده نایب  
معین و بدی رعایا مشخص قدغن آید میشود که کسی دین  
زیاده از رعایا مطالبه ننماید و بهی مقصی الامام و  
دعا کو با امید واری تمام در اجبت بخانهای خود هستند  
و سجهت بودن ما چسبام شهباز العبدار اوظار تاسا  
پنج و شش شسته با مور ولایت و رعیت رسیدگی می نماید  
و محض حصول دعای خیر جهت دانت اقدس سجا یون  
شاهای شهبای ماه مبارک را استمداد آشی

۱۸۰۰

پنجاه هشت من برنج مخصوص فتنه و اهل استحقاق  
طبخ نموده اطعام مساکین می شود دیگر نوشته بود  
که پس دیر آباد که معبر قوافل و زوار و زینبای  
شاه عباس صفوی انار العبد بر نامه است در  
سال سجهت شدت سیل خراب و کارها برین صعب  
مشکل شده بود مقرب انخاقان مشارالیه معمار  
سبا و عمده و سهاپ معین کرده روانه نمود که بزودی  
پل مزبور را محکم و مضبوط سازد که از برای زوار و  
قوافل معطلی حاصل نشود و با الفطن سها و عمده در آنجا مشغول  
می باشند چون پل مزبور معسر هام و عبور زوار و قوافل  
اغلب ممالک محروسه از آنجاست ساختن آن الزم و  
مزید دعا کوفی عامه برین است

فارس و قزوین و قس و بکان  
و کردستان و گروس و کرمان  
از این ولایات نیز درین بنقه خبری نبود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند نهایت  
اهمیت و انتظام در ان ولایت حاصل است و رعایا  
و بر اینا آسوده خاطر بدعای وجود مبارک علی حضرت  
اقدس عالیون سها سها می مشغول اند و امیر الامراء  
سپه دار در نظم ولایت و غوررسی امور رعیت و  
خدمات دیوانی زیاد اهتمام دارد و کار طریق  
سوارع منظم و با کمال اهلیت عبور و مرور میشود  
چنانچه پیر سال رسم ان ولایت بوده است که یک دفعه  
در بهار یک دفعه در پاییز زوار آنجا روانه ارض است

میشوند اما سبب اینست طرق و سوارخ در  
 اوایل بهار بود و دفعه جمعیت از زوار منعقد شده بود  
 ارض فیض بنیان گردیدند  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه امام علی خان میرزا که  
 انتظام بلوچستان است در آن صحنه کمال تعلق  
 و اقتدار را دار و چون سرحد داران سابق که ما  
 انجامی شدند بجهت جلب نفع خودشان کارشان  
 چندان مشرف نداشت عالیجاه مشارالیه مقتضای  
 کمال معقولیت و کار دانی خود و سفارشات پسر اکابر  
 سپهدار پیشرفت خدمت و یکنامی دولت را  
 بر جلب منفعت تقدیم داده و اسرار و او با بشا  
 که معتاد بهر زکی و فتادند در مقام اطاعت و تقیاد  
 در آورده کسی قدرت تقهتی و قلب ندارد از حمله  
 قلعه کمس سیزده نفر زن و طفل عوض بدی دیوانی خود  
 آورده بودند بعد از تحقیق معلوم شده بود که اینها  
 از جای دیگر اسیر کرده و بعوض مالیات آورده اند  
 عالیجاه مشارالیه ان سیزده نفر اسیر را داده  
 برده با و طان خود برسانند و انانی مرزبوره را با  
 محل مذموم قویج و محصل کاشته مالیات دیوانی را  
 دریافت و غنم کرده بود که انالی هر یک از قلعجات  
 آن سرحد اگر از یکدیگر اسیر بگیرند مورد مواخذه  
 باشند  
 دیگر نوشته اند که تا یکجا بعد از عهد در آن ولایت  
 بارندگی نشد است و بمزارع فالصه و ادبانی  
 بی ابی فی انچه ضرر رسیده و انالی الوالات قدرکی

داشته اند و بعد از یکماه از عهد هوا را بشه تی سرد  
 کرده بود که سرد درختی باغات را با تمام سرما زد  
 ضایع نمود  
 دیگر تعبیر اجناس کرمان را نوشته اند که سوای برنج  
 و روغن که فی اسحله کرمان بود سایر چیزها و اوان  
 ارزانت و عبور قوافل و زوار با سودکی می شود  
**کرمان**  
 از نیولایت نیز درین هفته اخباری رسیده  
**مازندران**  
 از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند  
 نواب هزارده و الا تبار لطف الله میرزا و میرزا  
 میرزا اسد الله وزیر که بجهت باز دیدن طایفه  
 عبدالملکی و رساندن سوجهب و رسیدگی بقلعجات  
 و جاهائی که برای آنها ساخته شده رفته بودند  
 و در و با بنجان نظم تمام در میان این مرزبوره داده و سان  
 نوکر آنها را دیده مواجبشان را انفر بنفر در حضور  
 دادند و به نرو آب و قلعجات و زراعت آنها  
 رسیدگی نموده آنچه لازم زراعت داشتند از  
 و عوامل و سایر مصالح الاطلاک قدغن نمودند در  
 آنها تدارک شده با کمال فراغت و اسودگی  
 عیسی زراعت میباشند  
**طایر و نساوند و همدان**  
 سیر  
 ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده  
 ح

۱۸۰۱

### انبار و دول خارج

از قرار که در روزنامه‌های دول خارج نوشته شد  
در جزایر مملکت میان که در سمت شرقی چین و  
جزیره نیقون نام که بقدر سه کرو در خلق وارد  
مقر حکومت آن که بشهر بدو مشهور و عاوی می‌شستند  
بزار خلق است در ماه کانون اول فرنگی در شب  
باز دهم بوقت نصف شب زلزله عظیمی وقوع  
یافت صد هزار خانه و پنجاه و چهار عبادت خانه و  
کتاب خانهای متعدد و عمارات و دارالحکومه و یک  
کتابخانه که صد و پنجاه و چهار هزار کتاب در آن  
بوده خراب گردید است و در سنگام زلزله  
بعضی چاههای زمین دهن بار نموده و پاره از عمارات  
و خانه‌های نروریکجا زمین فرو رفته است و بعضی دیگر  
سجده آتشی که ظهور کرده است کلا سوتسم و موجود شده  
و اغلب اهالی شهر تلف گردیده اند مگر بعضی اشخاص  
که پیش ازین حرکت شده چند دفعه که زمین حرکت  
جزئی کرده بود احتیاط کرده چادرها در صحرا زد  
سکنی گرفته بودند خلاص شده اند و بجهت زور بخار  
زیر زمین که از زیر دریا زور آورده و آب دریا را  
بجای های دیگر باسید است اغلب اراضی آن  
مملکت را آب گرفته و خرابی زیاد رسانده است  
و از متزلزل شدن زمین آنجا بکرات آنچه معلوم  
گردید است معدن گوگرد آنجا اهلین نموده اند  
اهالی مرقومه که با اهلین خاطر ساکن بوده اند بجهت  
فوران آب بقدر دو و هزار گشتی و زورق شکسته

۱۸۰۲

و تلف شده و نیزاهی بسیار بعد از کشیده شدن  
آب بدریا و خشکی مانده و صید کرده بودند و از  
کثرت زلزله در آنولایت که بکرات شده است آنجا  
مقر زلزله میاید گفت و بجهت بعد مسافرتش باین  
ولایات بعضی تفصیل احوال آنجا از تواریخ صحیح  
مستور میگردد و شهر بدو نام مذکور که مقر حکومت  
جزیره نیقون و ذکر آن که شد از اینکه مملکتی بزرگ است  
در ربط مقالات معلوم میشود اطراف آن مسافت  
بسیار است و کوههای آنجا بسیار وسیع و بلند  
با غنچه و بناهای آنجا یک مرتبه و است و در یک خانه  
پیش از یک نفر عیال سکنی نمی کند و حکام آنجا را اولو  
میگویند و دارالحکومه آنجا عمارت بزرگ که پنجست  
مسافت دور است و در میان آن شهر است و اطراف  
بلده سبصار و دیوار محاط و از عمارت حکمران خواص  
و عوام اهالی و سکنه در عبور رعایت شرایط ادا  
مینمایند در شهر نرور در هر محله بجهت ده نفر یک نفر  
نصب شده و این ده نفر ابوالفتح یک ده باشی و ابوالفتح  
ابوالفتح یوز باشی و یوز باشیان در زیر حکم یک باش  
و بیگ باشیان ابوالفتح امیر تومان و بهمان نسبت  
تا سبک آن سپرده اند و باین جهت چیزی نامعلوم در آنجا  
نیست با اینکه از احوالات غریبه جزیره بیان کرده اند  
زلزله این اوقات کبفیتی عظیم است و خسارت و ضرر  
زیاد با اهالی آنجا رسانده است  
دیگر در روزنامه هسلا مول نوشته اند که در نزدیکی  
مسجد جامع شریف که از بناهای سلطان احمد خان

سیدنی است که ات میدانی مشهور است و این اسم میباشند  
 و سکنی در میدان مزبور نصب است سخته پیدا کردن  
 تاریخ سنگ مزبور بنای کردن زیر از آنکه است  
 اول زیر سی را که از مس مصنوع و بر کب چیده هم  
 بالا برده اند گفته بقدر یک قلاج و نصف که تخمیناً  
 ذرع باشد یک لوح پیدا شد بعد از آن زیر سنگ  
 مزبور را که یک لوح مربع شکل پیدا شده  
 اطرافش خطوط بعبارت رومی بود که معلوم شد  
 سنگ مزبور از مصر آورده اند و در تاریخ هزار  
 پانصد سال قبل ازین ایام در عهد تو لود و سوس  
 نام پادشاه آنوقت مضمون گردیده حتی پادشاه  
 مزبور آن سنگ را در مدت سی و دو روز نصب  
 کرده بود نوشته بودند میدان مذکور در آن  
 ایام یک میدان وسیعی بوده و باب و عرابه  
 داشته است و بان سبب بات میدانی شته  
 یافته بعد از زمان فاتح با طرف میدان مذکور یک  
 چند بنای دیوانی و بعد از آن مسجد جامع ساخته  
 و پائین سنگ مزبور مرور بقدر دو ذرع در زیرین  
 مانده در این اوقات که تاریخ پیدا شد برای پیدا  
 کردن آثارهای قدیم بنای حفر خندقی گذاشته  
 هیچگونه آثاری پیدا نشد خندق را باز پر کردند  
 همیشه با طرف لوح سنگ مزبور از جانب سلطنت  
 سینه پنجه آهن وضع میشود و بغیر ازین سنگ سابقاً  
 سکنی دیگر تقلید نموده وضع کرده و اطرافش را  
 پنجاس تصنیع نموده بودند و نحاس آن برور  
 و جایهای خالی آن تمییز نموده و سخته بیرون آورده  
 تاریخ سنگ مزبور در این اوقات از جانب سلطان  
 سخته آن اقدام شده و در آثاری کردن زیر سنگ  
 تخمین از زمان اسکندر از نقره ده عدد و از مس  
 هفت عدد و ظرف پیدا شد  
 دیگر نوشته اند که در ولایت نخلین با فعل مانده  
 هزار چاه یا خانه موجود است و در سال گذشته  
 چهارصد و پنجاه طمان مکاتب که نهصد گزور شده  
 ازین چاه یا خانه ها و ستاده شده و اجرت چاه  
 این مکاتب پانصد و پنجاه هزار گز که تخمیناً یازده  
 گز و پول انولایت باشد حاصل گردیده و این غیر از  
 اجرت روزنامه ها و پیرا و راق است  
 دیگر در باب راه سیم و چرخ صاعقه که سخته اخبار  
 متداول گردیده است نوشته اند که این کیفیت از  
 محسنات عالم و یک ماده برق توام است که در یک  
 طرفه العین ازین سر زمین بان سر زمین خبر میرسانند  
 درین اوقات از بعضی جایها بیکدیگر که این سیمها  
 شده عادتاً از هر طرف باریها از قبیل شطرنج و لایا  
 و غیره نیز وقوع یافته و اخبار میشود از آنالی لندن  
 کسی که مراق بازی شطرنج دارند با چرخ صاعقه از  
 راه دریای خشکی با پره مهرس که طالب باشد و چرخ  
 بازی آنها بشود اخبار کرده اند در جانی که تا لندن  
 میت و پنج میل مسافت دارد در سر راه چرخ صاعقه  
 آمده بازی شطرنج چیده و با هر یغما که سیچگاه یکدیگر را  
 بازی شطرنج خوب نموده و این گزارش بسیار محکم

۱۸۰۳

انجلیس و از راه سیم که بفرانس محدود است  
 گردیده درین روزها در هر طرف باین گونه کارها  
 و سواهی این تخصیص ساعت اوقات شب و روز از  
 ولایات دور و تعیین آن در بر ولایتی سبب قریب  
 باین سبب در کمال زودی و آسانی معلوم میشود  
 با بجهت مانده منجین که گرفتن آفتاب و ماه و احوال  
 فلکی و وقت و زمان و اختلاف هوا و شدت و لطافت  
 آن را خبر میدهند مباحثین این را هر چه صاعقه نیز  
 میتواند خبر دهند که درین دقیقه و درین ثانیه  
 هوای فلان مکان چنین و چنان است و باین احوال  
 خبر عاقله مردم با وصف بعد مسافت از احوال یکدیگر  
 خبردار و رفته رفته با بنجاریه که دوستانی که از  
 ریدار یکدیگر سبب بعد مسافت متعذرند صحبت و مکالمه  
 نمایند و همیشه از احوال یکدیگر با خبر باشند  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات خبری نبود نام  
 از اهل صنایع فانوسی بزرگ بجهت روشنائی معابر  
 کشتیها در دریای اسلامبول که شب راه را کم  
 و بسک و سیاهی بخورند ساخته است فانوس  
 زور و روشنائی میت و پنجره چراغ دارد و  
 حیثی مسافت کشتیها در دریای روشنائی او عبور  
 و مرور کرده بقرصه میرسند  
 دیگر نوشته اند که سپر یکی از حکمرانان المانیا که پسر  
 البیروشو بر پادشاه انجلیس منسوب است و هولناک  
 موسم در این اوقات بقصد اینکه در سگت کر نظام  
 انجلیس منسک بشود حسب الاستدعای خود ببلند رفت

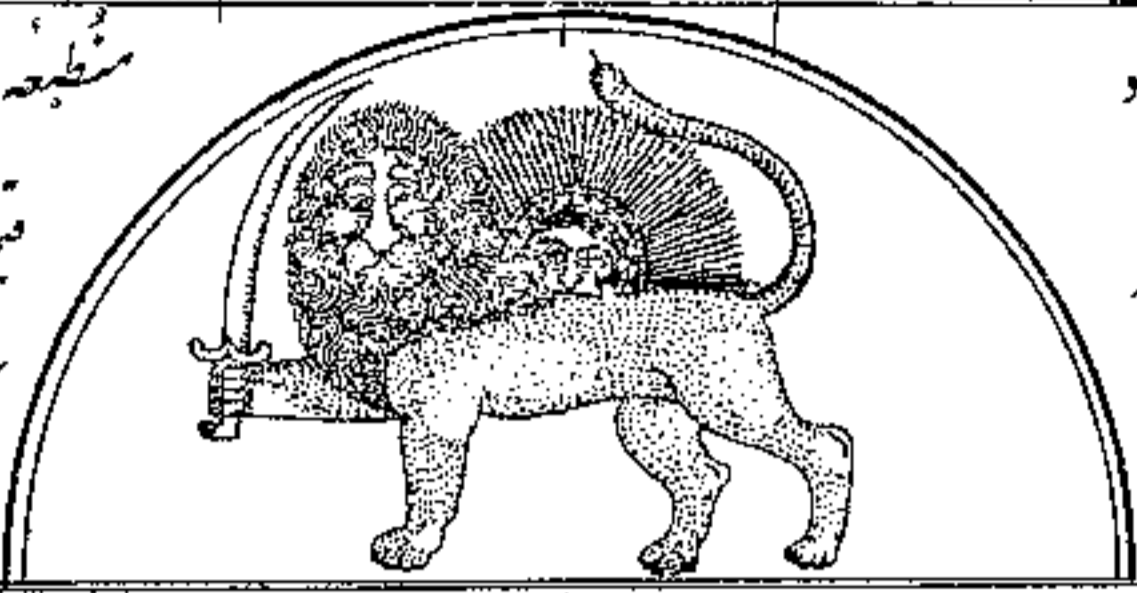
۱۸۰۴

از جانب دولت مزبور با واقعات شده و  
 بزرگی دسته از نظام سحریه با و داده شده است  
 دیگر نوشته اند که در سمت شمال فرانس در کنار کان  
 قلعه نام در فرج میت بختم محافظ خالوی یک سرباز  
 چاودو چو و فروش و شدت ممک و صاحب  
 نقود فراوان بود چند وقت پیش ازین نوشته  
 هفتاد و پنجاه هزار فرانک پول اولایت و جبهه او بوده  
 چون وارثی دیگر سواهی چاودوشش عسکر نبود  
 نداشت اموال او با تمام انتقال بان چاودوشش  
 یافت  
 دیگر نوشته اند که راه سیم صاعقه که از اسلامبول  
 تا شمشی و ادرنه تمتد شده اخبار آن تا کنون بزبان  
 فرانس بود بعد ازین بجهت سهولت کار تجارت اسلام  
 و آرامند که زبان فرانس میداند از جانب سلطان  
 حکم شده است که بزبان ترکی حروف مقطعه بجا  
 ترقیب در سه سیمها نصب کرده بترکی نیز اخبار  
 مطالب نمایند و این که ارزش را بجا اعلام کرده اند  
 که هر کس بزبان ترکی مطلبی از اسلامبول با درنه  
 و شمشی بخواهد اخبار نماید بچرخ صاعقه رفته رفته  
 خود را بپاشرین آن قلعه داد کند

روزنامه فایح الفایح پنجشنبه سیزدهم سنه ۱۲۷۲

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
هر خط یک خط



روز پست و پستاد

قیمت روزنامه

هر نسخه ده خط

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته که روز عید بعد فطر و القضا  
ایام ماه مبارک صیام بود بقانون اعیان معظم  
علیه اعلی حضرت آقدس بایون شاهنشاهی خلد الله علیه  
سلطانه بتالار دیوانخانه بزرگ تشریف فرما گردیده  
بوجود فایض ایچو ده بایون زینب و زینب محمود و  
عام بوجو و جناب جلالت آیت شرف و چشم عظیم  
شاهزادگان عظام و یر مقربان حضرت کردون بسطت  
وسران و صاحب منصبان نظام و خوانین گرام  
چاکران در بار بایون و بقدر کنجایش دیوانخانه  
مبارک که از احادیث و سیرت با کمال شکوه و ابراهیمی  
الغیا و یاقه بر یک در بر سیم و مقام خود در قیام  
حضور هر ظهور گردیدند و اجر ای شلیک توتون  
شده عالیجا خطیب باشی ادای خطبه بیخ بنام آتش  
و احتتام بدعای غم و دولت ای مقرون نموده بعد  
عالیجا میرزا محمد علیخان شمس الشعرا قصیده غم که در وقت

و مدح اعلی حضرت آقدس بایون شاهنشاهی منقول  
کرده بود معروض پیشگاه حضور با هر النور داشته  
مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیده پس از این  
ترقیات معموله اعیان بزرگ سلام عام مقصی  
گردید  
چون معتد در بار سیه احتشام مقرب انخاقان  
سجس کفایت و کار دانی و فرط مراقبت در خدمت  
دیوانی خصوصاً در انتظام امور آذربایجان خاطر آفد  
بایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه را از خود خوش  
داشته بود درین اوقات که از دربار معد لمدار  
اذن در حاجت با در بایجان حاصل می نمود نظر بطور  
و فوراً احسم ملوکانه در باره مقرب انخاقان  
از جانب سنی ایچوانب آقدس ملوکانه یک حلقه  
الاس گر اینها و یک ثوب جبه ترمه خوب نسکین از  
لبوس خانه خاص در حق او حجت گردیده و در روز چهارم  
شوال بیع نگارستان نقل بجان بود که روانه آذربایجان

۱۸۰۵



چون مقرب انخافان فرخ خان حسد و در اجتهاد  
 بحسب جوهر ذاتی و قابلیت و استعداد روز  
 اقدام خدمتگذاری بر ترقی شری و بر مدارج معراج  
 مناصب و مراتب از همگان دستگیرند کی فراز  
 و بیشتر یازیده و بسبب ظهور کیمت و شایستگی  
 و قور ارادت و خدمتگذاری در جبهه آخری مؤید  
 عنایات ملوکانه و مستوجب مناصب ارجمند گردیده الی  
 یومنا بد انصاف مناصب سرفراز و از عهده هرگونه خدمت  
 که با و محمول و مرجوع گردید با کمال کفایت و قنوت  
 برآمده خاطر اقدس ملوکانه را از خود حسد و  
 امثال و اقربان بر بیت چند امتیاز یافت در این اوقات  
 که محاسن خدمتگذاری مقرب انخافان مشارالیه در شکارگاه  
 حضور با هر التور کمال ظهور بهر سانه نظر عنایت با عهده  
 مدارج و ارتفاع مراتب او فرمود و بقلب جلیل الملک  
 موافق فرمان خورشید لعل ان مبارک مزین بدستخط  
 هایون سرفراز و با عطای یک قطعه نشان مخصوص  
 بامثال اقدس ملوکانه و تکفل بالباس عزت اعتبار و  
 یافت

مقرب انخافان عین الملک در اوقات با مبارک  
 رمضان بجهت مراقبت و مواظبت افطار و سحر و خاطر  
 ملوکانه را حسد و مسرور در دست مستوجب شمول  
 آمده بود لهذا بجهت مزید مباحثات و مفاخرت شایسته  
 یک ثوب جبهه ترمه از طبعس خاص بن مبارک با  
 مرحمت گردید

۱۸۰۶

عالیجاه سررأسین سررشته دار قورخانه مبارک که در  
 انجام خدمات محوله تجرد و مدارک و ارسال قورخانه  
 بر صدقات خاطر امنای دولت علیه را از خود خوشنود  
 داشته لهذا درین اوقات یک ثوب جبهه ترمه سبز  
 خلعت از جانب سنی انجوان اقدس هایون  
 مرحمت شد

بعد از آنکه اولیای دولت علیه مقرب انحضرة انخافان  
 میرزا حسین خان کار بردار سابق و دولت علیه مقیم  
 میبستی را بدربار شوکتهدار احضار فرمودند عالیجاه  
 سعاد میرزا صادق که در کار بردار خانه انجانبست  
 او اقامت داشت در سررستی معده دولت علیه و  
 کارهای انجمن و تقدیم لوازم و وظائف مأموریت خود  
 آثار اتهام و مواظبت و قاعده دانی و درایت را  
 در پیشگاه اقدس هایون عالی منصبه ظهور رسانید مشمول  
 مرحمت ملوکانه آمد و با عطای لقب خانی و نشان درجه  
 سیم سرنسکی و موهبت منصب نیابت اول کار بردار  
 انجا بر حسب فراین رحمت این سرفراز گردید  
 مراتب مراقبت و خدمتگذاری و مواظبت و صدق شکاری  
 عالیجاه میرزا احمد شنی سفارت دولت علیه مقیم سلا مشمول  
 که مقرب انحضرة انخافان سیم حاج میرزا احمد خان مصالحتهدار  
 انجا بعرض اولیای دولت علیه رسانید مورد الطاف  
 خسروانی گردیده بر حسب فرمان هایون با فروزون  
 پنجاه تومان بر مواجب سابق او سرفراز آمد  
 نظر بکمال توجه باطن و فرط محبت قلبی جناب جلالت ماس



بشرف ارفع ارفع صد غلظتم در باره معتقد  
 سپهر استام مقرب الخاقان و در مقام بعد از نیا  
 احوالی ماه مبارک رمضان شبی مخصوصاً منبر لایق  
 مشارالیه محض مباحات و سرفرازی او تشریف فرما  
 گردیده و لوازم تکلفات و تدارک صیفاقت نبوی شایسته  
 بعین آمده افطار و سحور را در آنجا صرف نموده و تاصحیح  
 در آنجا تشریف داشته

**سایر ولایات**  
 و اوربا بایجان و استرآباد و اصفهان و  
 اصفهان و بروجرد و سلطانی  
 ازین ولایات درین مهله اخباری بنویسد  
 خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان  
 نوشته اند امور انولایت فرین استظام و انضباط  
 و کمال ارزانی و فراوانی در آنجا حاصل است و  
 رعایا و برابا اسوده خاطر بدعای دات است  
 بایون ساهشی استحال دارند و امری که  
 نظم و قاعده با وقوع نمی یابد

دیگر نوشته اند که عالیجاه نیز و انویر و سنجان برادر  
 مقرب الخاقان سام خان المغانی امور سرحد  
 و آن صفی ندر بسیار منظم و مصبوط دارد  
 و دست نظاول طالیفه ضاله ترکمان بکلی از آن  
 و سامان معطوع است با اینکه جمعیت قشون جنوب  
 بهراه مقرب الخاقان المغانی با مور خدمت اند  
 عالیجاه مشارالیه قصد شد نفر سوار و کل  
 پانصد نفر تکمیل و ششایچی استعداد داده نسبت قوشنا

و دولت آباد فرستاده است که مشغول حفظ  
 حراست و قراولی آن صفحات باشند و باین  
 وجهه طالیفه ضاله ترکمان از تاخت و تاز آنجا ممنوع  
 و کسی از آنجا قدرت تعدی و خلاف حساب ندارد

**حما و سمنان و شاهر و**  
 ازین ولایات نیز درین مهله اخباری بنویسد

**عراق**  
 از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند  
 در ماه مبارک رمضان در فرمانان تکرک  
 شده بیدی آمده است و قنوت اسجران  
 نظام آباد را با مله خراب کرده و کل زراعت  
 چند مرزعه را ضایع نموده و وسیل نیز آمده  
 فاند و باغ از سجران بکلی خراب نموده و بقدر  
 بکشد و پنجاه ریس کوسفدر را در صحرا لنگر گشته  
 و یکصد ریس قاطر و چند ریس الاغ را اسیر کرده  
 و تلف کرده است

**فارس و قزوین** ازین ولایات نیز  
 در این مهله اخباری بنویسد

**قسم**  
 از قراریکه در روزنامه قسم نوشته اند امور اول  
 از هر جهت منظم و مصبوط است و عالیجاه  
 زین العابدین پیکار آنجا در غیاب مقرب الخاقان  
 و الفقار خان که در دار الخلافه طهران است کمال  
 مراقبت و رسیدگی با امور ولایتی و داد و ستد  
 و لویاتی و عرایض رعایا و برابا میاید

۱۸۰۷

دیگر در روزنامه مذکور نوشته اند که در شب نوزدهم  
 ماه مبارک رمضان بکشد بقعه مشبر که حضرت معصوم  
 علیها آلاف الشمار والتمجید بعد از ظهر نور باران شد  
 که جمیع خدمه و سایر مردم مشاهد می نمودند  
 و صلوات بر جناب ختم رسل و اوصیائش رسالت  
 صلی الله علیه و آله لطیفین میفرستادند و در این  
 دوران مشاهد تبرک و بعضی اماکن مشرف مشهور  
 بنوی کرده چنانکه هم در بقعه تبرک که حضرت معصوم  
 چند سال پیش ازین باران نور باران شده و مشهور  
 کل امالی آنجا گردیده و درین روزنامه های نیر نوشته

### مخاوند

از قرار یک در روزنامه بنامه بنام نوشته بود  
 مقرب آنجا و آن مجید رحیم خان نقی باشی و حاکم بنامند  
 در اوایل ماه مبارک رمضان وارد آنجا گردیده  
 و در مسجد کی کامل با مور رعایا و وصول بقایا و نظم  
 خانه چنانست نموده و امور الوالات را بهر جهت تنظیم  
 داده و سواره خزل را که احضار از کاس نصر شده  
 شده بودند در او اسط ماه مبارک کسان آنها را  
 بدقت دیده آنچه بی اسب و یراق و اوضاع بودند  
 اهتمام در تدارک اسب و یراق و سایر طر و مات  
 آنها نموده که بعد از انجام تهیه آنها روانه دربار  
 معذرت مدارشان نماید

دیگر از قرار یک نوشته اند در الوالات کمال اوا  
 و وزیر کوه نعمتی است از جمله کدوم خرداری است  
 که هزار دینار و جو یکتومان و نان یکین پنجای و گو  
 و پیر شور یکین هزار دینار و برنج یکین چهار عجبای و  
 روغن یک من و وریال و کاه خرداری شش هزار و  
 پانصد دینار و سایر اجناس و ماکولات مابین  
 منطقه متعمر و کمال و وزیر دارد با اینکه ولایت  
 مر نور محل عمور اغلب عابرین و متر و دین از خاک  
 محروم یکدیگر است سجد الله سجده آنجا در هیچ یک  
 از آذوقه و ماکولات معطی حاصل نمی شود و این  
 رکذ کمال سکرانه را دارند

دیگر نوشته اند که در ایام بهار عقیسی بارندگی در  
 الوالات شد که پیران محترم ایگونه بارندگی تا  
 در الوالات مشاهده نگرده بودند و حاصل الوالات  
 سبب و فور بارندگی سجد الله بسیار خوب است  
 و زارین و صاحبان املاک از اینجسی کمال مسرت  
 و شکر گذاری داشته اند

دیگر نوشته اند که در شب دوازدهم ماه مبارک  
 رمضان نیم ساعت بصبح مانده زلزله عظیمی در آنجا  
 وقوع یافته و زمین حرکت بسیار شدیدی کرد مردم  
 تشویش خرابی اینیه و اتلاف نفوس زیاد داشتند  
 ولی سجد الله خرابی بجائی و صدمه کسی وارد نیامد  
 همسدان و نیزه ازین ولایات نیزه خرابی  
 درین هفته بود

کاشان و کرستان و کروس  
 و کرمانشاهان و کرمان و مازندران  
 و طایر ازین ولایات نیزه خرابی بود

۱۸۰۸

اجتار و اول خارج

از قراریکه در روزنامه های دول خارج نوشته  
 چند وقت قبل ازین موافق روزنامه های انگلستان  
 حکامی المانیا حکم کرده بودند که در ماه آینده  
 فرنگی ستاره دیناله را ظاهر خواهد شد لکن این  
 نجوم و هیات فلک کلمیس ناپولی ستاره مذکور  
 نوشته اند که در چهار سال بعد ازین ظاهر خواهد  
 و در اغتوسس آینده تکذیب کرده اند که ظاهر  
 نخواهد کرد این ستاره و بناله را که ظاهر  
 خواهد کرد چهار صد سال قبل ازین ظاهر کرد  
 بسیار کس نسبت ظهور آن ستاره حکیم بنیات  
 کرده بودند در آنوقت بادشاه المانیا که  
 پنجم مشهور و مملکت اسپانول را ضبط کرده  
 در پای تخت اسپانول لوای استقلال  
 بود ظاهر شدن ستاره مذکور را دلیل  
 بنیان جبه و جلال و اعنای سلطنت و استقلال  
 خود دانسته تارک تاج و تخت و سلطنت کرده  
 بیک کلیسانی در آمده طریقه رهبانان پیش گرفت  
 و جنسی که ان نیز توهمات زیاد کرده بودند  
 این ستاره با این دفعه که ظاهر شود پنج دفعه مشهور  
 شدن آن را منجبتی روزگار گفته اند و اینکه در  
 اغتوسس ظاهر شدن او را گفته است از منجبتی  
 موسیو بوم نام شخصی پانزده سال قبل ازین  
 در صرف انکار و مستنج انواع کتاب نموده پیدا  
 کرده است نوشته اند که در زمان شکرل پنجم که ظاهر

شد مشارایه با انسان قضا و قدر برتر است  
 سجد خون رسیده تارک ملک سلطنت کرده  
 درین وقت که منجم مذکور حرف افکار کرده و وقت  
 ظهور از اخبار داده است اگر در آنوقت ظاهر شود  
 حال آن منجم قدامید اندک بگوید خواهد بود با بچه که  
 از منجبتی ایران تیرگی وقت ظهور ستاره مذکور را  
 استخراج کرده و مشخص نموده باشد در این روز  
 مسکرم و در اغتوسس عبارت از سید یا میران در این  
 دیگر نوشته اند که قشون دولت کلمیس که در  
 بودند سان کلید دادند و میدان حرکت قشون  
 در دست مرکزی که وسط سلبیل و حیدر شایب  
 اگر چه همه قشون سب را خور خیزند اشک و  
 هنگام ظهر صبح همه حاضر بودند و در محفل  
 کل قشون در این محل حضور بر سر زنده و در وقت  
 ظهر توب اخبار کشتی شش سلطان بجه آمدن به  
 و کرم قشون مذکور انداخته شده صدر اعظم  
 و کستان پاشا و وزیر قشون سحری و وزیر امور خارجه  
 و عثمان پاشا و سرکردگان و سرداران و اعیان  
 دول خارج همه در خدمت سلطان بودند و یکدسته  
 از فوج خاصه سلطان با اسباب موزیکان مقابل  
 قشون ایستاده و سلطان با انگ موزیکان جلو  
 قشون مبرور رفته و قشون با اولی سبانی سلطان  
 و کلم کلمیس صدا بلند کردند بعد از آن همه قشون که  
 تدریج حرکت مسی کردند توپخانه سواره و توپخانه  
 افواج مختلفه سودا لاند و انگلیس همه که جز قشون

۱۸۰۹

نخلیس است و فوج بولاک و غیره بعد از آنکه مشق  
 و حرکت خود را تمام کردند سوار نظام روبرو  
 سلطان مشق جمله نمودند حرکات جمله فوج در نظر سلطان  
 بسیار سخن نموده بعد از آن بجاوری که مخصوصاً  
 بودند تشریف فرما شده توصیف ریاض از مکره آن  
 و سر کرده فوج منت نموده بانها بوارش و التماس  
 فرمودند و مکالمات سلطان با سرکردگان بر زبان  
 فرانس بود بسیار تعجب داشت از فوج  
 بدینست که در مدت قلیل چگونه در حرکات فوج  
 نظامی در زنده و ما بر شد تا از اول و در وسط  
 و مشق فوج و سوار نظام تا الوقت ساعت  
 کشیده بود و انگاه توپ حرکت خالی کردند و سلطان  
 بمقر سلطنت روانه شدند و از این اسباب معلوم  
 اینجا جمعیت ریاض آمده بودند بعد از مراجعت سلطان  
 سر کرده نخلیس سرکردگان و بزرگان و معارف  
 محمد راضی باقی سنگین نمودند

دیگر در روزنامه ماه شعبان نوشته بودند که در  
 در میدان قورقون دره اسبهای منتخب و زنده  
 نخلیس را که توانا بودند قوش نموده یک میل نیم  
 رفتن و یک میل و نیم آمدن که در باب و آیات هر یک  
 مدت نیم ساعت باشد و مانند راه یکساعتی را  
 در شش دقیقه قطع کردند آنها مشاهده شده  
 این اسبها از بسیار وقت بکار نیفتاده اند مگر  
 اسب در اینها و حجه میل بود نشان از نوع  
 خود امیر کل و از دو سار بر این مستعد است که با

۱۸۱۰

انها بتوانند بدوند میدان اسب دو انی را از  
 دو طرف زمین می کشند و با نصب بر قهای  
 سرخ حدوداً از اینها مید و کسانی که تا  
 در بیرون رسیانها که کشیده اند جمع می شوند  
 و چاک سواران این اسبها بوزن سی پست  
 اوقیه که تخمنا دهن چیزی کم باشد بیشتر  
 و بسیار نازک اندام و حجه ای که وزوزن با هم  
 تفاوت نداشته باشند با هم که در میان  
 سی و پنج یا سی و شش اوقیه در بیابند که آنها  
 تاسی داشت اوقیه اسباب دیگر اضافی میکنند  
 و می بندند که وزن همه ساری باشد مشق  
 بیاس سرخ و سبز و زرد و سایر الوان کشیده  
 نه اسب با هم قوشه کرده یکبار حرکت کردند و دیگر  
 بنای زدن که استند از دو طرف و اسبها همچو  
 برق عطف بنگ و مانند تا حد نیم ساعت  
 راهی که سخن شد در هر جهت با آنجا که  
 کرده اند این یکساعت راه را در طرف مدت  
 شش دقیقه طی کرده اند و پیش و پس بودن اسبها  
 از یکدیگر زیاد تر از دو سه و جب بود و آنکه  
 پیش از همه آمده بود و آنها نوبت درین دولت علیه  
 معمول است و اول را که زیاد تر بود بر داشت  
 و بعد از آن وجه کمتر از آن را تیرتیب و این  
 و و که دو لده بودند بعد از این چند و سب و دیگر  
 قوشه کرده بودند که تفصیل آنها را پر نوشته بودی  
 باین روزنامه باشد

روزنامه قایم القیوت پنج شنبه پنجم شهریور سال ۱۲۷۲

نزهت و استراحت

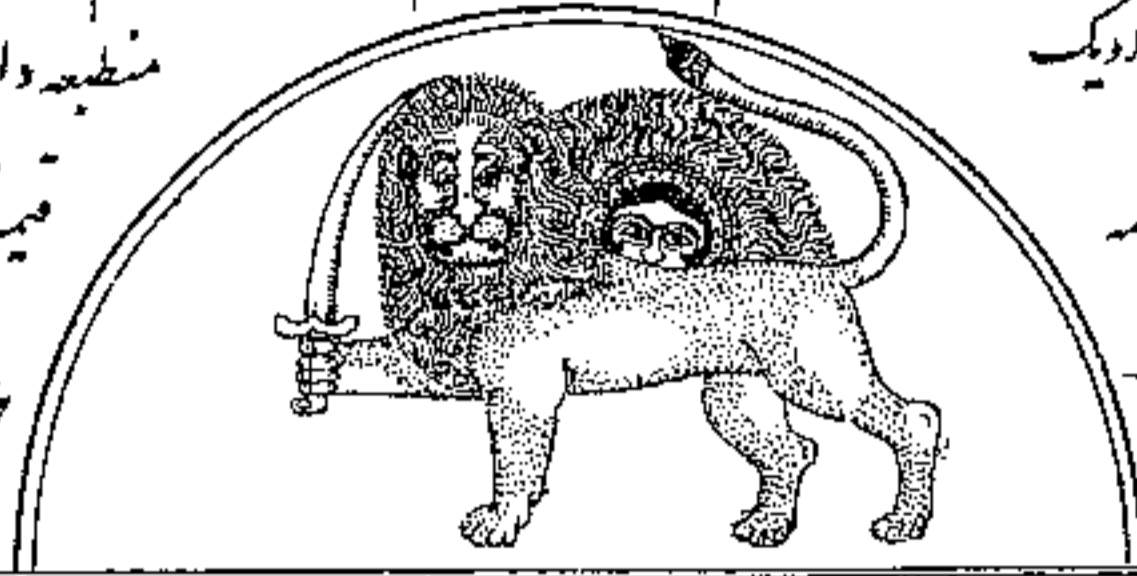
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوازده

هر خط یک



اجبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

جمعه بمنزل معتمد دربار سپهر احتشام مقرب انخاقان قایم مقام که بنکارستان نقل مکان کرده است تشریف برده شب در آنجا ماندند و لوازم خدمتگذاران و تکلیفات صیانت از جانب مقرب انخاقان مش را به بعضی آمد مطالب و مستغنیات او را با پنج مفرقون داشته و مقرر شد که روز دوشنبه روانه آذربایجان شود و جناب معظم بعد از فیصل امور و انجام مهات دیوان در روز شنبه بار دوی نیاوران پیوسته شرفی حضور هر طور جایون کردیدند

در این اوقات که هوای دارالخلافه طهران باقتضا موسم تابستان فی آنجا گرم شده و سیلابات شمیران مطبوع و سخن خاطر اقدس جایون شایسته خلد الله لکه و سلطانه بود حسب الامر مشیانه و تدارک بمیدانی نیاوران که بعد و بت بار و لطافت هوا و مستغنی از شرح و بیان است فرستاده شده عمارت سلطانی انجار از بیب و صفادادند و در روز پنجشنبه پنجم شهریور انحضرت اقدس جایون بالسلطه و الاجلال تشریف فرمای نیاوران گردیدند و بعد از آنکه از خواص خدمت چشم طهرم موکب سیروری کو بوده امناسی دولت علیه و مقربان حضرت کرده

چون معتمد دربار سپهر احتشام مقرب انخاقان قایم مقام که بنکارستان را از ظهور کفایت و کار دانی و اهتمام در انجام خدمات دیوانی خوشنود داشته بود در این اوقات که مشمول عوالم حسروالی گشته اند در بار جایون اذن مرخصی حاصل نمود که با وزیر با معاودت نماید مجدداً بطور عنایتی دیگر رحمت او را زیاده فرموده با عظامی حاصل نشان مرتبه عیال مهلوف

بسط سینه بقرار معهود هر یک در آنکه و حمام خود منزل نمودند جناب جلالت ابصر و محترم صدراعظم بجهت انجام مهات دیوانی یکد و روز بعد از حرکت موکب جایون در باغ نظامیه توقف نمودند و در

۱۸۱۱

قرین امتیاز و اختصاص فرمودند

نواب مستطاب هزاره و ال استبارار دشر میوزا  
و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر در انتظام امور و  
انتظامات بلخ بعل می او و دیگر که خدا یان و سایر  
دیوانی که در دار انخاقان و مقرب که توقف دارند  
نواب هزاره امر شهر و محلات را در کمال نظم دارند

و کسی قدرت صرفت و بهر زکی و شرب و شرارت ندارد  
فراوانی بنا مضبوط و قراول و کزنده سنجند و صورت  
مشغول و جسم پنین امور قورخانه و جنبه خانه و سایر  
با تمام صاحب منصبان نظام و جاگران دیوان  
منظم و مضبوط و اصناف کارخانهجات همه  
در سرکار و خدمت خود میباشند و نهایت

در کارهای آنها میشود

### امورات قشونی

افواج قاهره نظام از پوچی و زینورچی و سایر  
بقرار استوار در میدان ارک و میدان خارج  
شهر همه روز مشغول مشق هستند و صاحب منصبان  
و محتلمین کمال دقت و اهتمام در تعلیم مشق و قواعد  
نظامی دارند

نظر بجا کس خدمتگذاری و شایستگی مقرب انخاقان  
جعفر قلیخان قاجار سرعین افواج مراند که خاطر اهل  
همایون شایستهی و امنای دولت جاوید است  
علیه را از طرز خدمتگذاری خود خرسند و میروند  
و داشته مستوجب رحمت ملوکانه آمده در این اوقات  
مضب جیل میرینچی کی با رعایت گردیده بدین

رنت اد اعتدایا قبه بین الامثال والاقران قرین  
سرافازی و مباحثات آمد

عالیجاه حسین بیک باور قورخانه آذربایجان چون  
در نظم امور قورخانه استجا و انجام خدمات محو که بخود  
سعی و اهتمام نموده بود در این اوقات منصب  
مشرقی قورخانه مبارکه سرافراز گردید

### سایر ولایات

افزایجان اجناری این ولایت درین  
بوده

### استرآباد

از قرار روزنامه استرآباد که در دویم این ماه  
نوشته بودند مقرب انخاقان جعفر قلیخان اینجانی  
که بعد از تنبیه اشرا که بجهت بجهت

با استرآباد کرده است ولی برب و آرمانی که  
نظم امور ولایت داده و کمال مراقبت و مواظبت که  
عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار در غیاب مقرب انخاقان  
مشارالیه دارد امور استجا از هر جهت منظم و مضبوط  
در عیاد و دقایق و امانی بلده و بلوک در نهایت  
مشغول دعا گوئی و اتقاد کس همایون شایستهی

میباشند و از وقت رفتن مقرب انخاقان اینجانی از  
استرآباد تا کنون از اسیرمانی که از ازمه سابق در  
میان طوایف ترکمان بود بقدسی نفر آورده تسلیم  
عالیجاه میرزا اسمعیل خان کرده اند و ما زیم متوالیاً  
خود طوایف ترکمان آنچه اسیر که از راه دریای خزر  
بودند آورده و عالیجاه مشارالیه می سپارند و

و عالیجاه مشایخ را در انتظام امر قورخانه و توشخانه  
 آنجا زیاده ساعی میباشد چنانچه باروت کوب و  
 و سنجار بجهت تجدید باروت که از رطوبت خراب شده  
 و مدت سابقه سباب قورخانه مشخص و بکار انداخته  
 و وجه مخارج آنها را داده اغلب روزها خود رفته  
 کبار آنجا رسیدگی مینماید و نیز برای مواعبت پوچیان  
 متوقف آنجا چون قرار شده است که تاریخ محمول  
 بر عایا حواله نشود تنخواهی بقدر مقصد توابعان قرض  
 و تپوچیان کارسازی کرده است که در عسرت بنا  
 و با سود کی از عهده مراقبت خدمات مرجوعه  
 دیگر نوشته اند که بعد از تمیزه اشرا ترکان شکر که بر  
 اکمل بعن آمد و مقرب انخاقان جعفر قلیخان ایلیخان  
 بجنور و رفت عالیجاهان میرزا علی محمد مستوفی استرآباد  
 و اسماعیل بیگشاه و لولبجه و حصول و حصول مالیات  
 طوائف کوکلان و بیوت فرستاده تمامی طوائف مزبور  
 در مقام تشکداری و انقیاد و از همه اوجبات و جوه  
 مالیات بدی خود را آورده تسلیم مینمایند در این اوقات  
 خبر بجنور رسیده بود که سوارانکه جمعیتی گرد کرده  
 عزم تاخت و تازست سملقان و مانده دارند قورخانه  
 مشارالیه بجنس استماع آدم بنانه و سملقان فرستاده  
 سواره و پیاده آنجا راجع و مستعد نموده و خود نیز  
 از بجنور کتب و با تفاق نواب جهان شومیرزا و مصطفی قلیخان  
 و باقرخان چکنی و سواره اگر در غنیمت در چمن  
 اردو زده سواره و قراول پنج راه که معبر سواره

ترکان که مشخص با نه است بخر گیری و ستاد که معلوم  
 نماید از کدام راه می آیند تا بمایه آنها ستاد برود  
 رفته بعد از تقصیر مراحتب نموده بودند و از هیچ یک  
 از آن راهها آمدن سوارانکه هنوز محسوم نشده بود  
 ایلیخان هم از چمن مزبور کوچیده در سیلاقی که در کوهی  
 همان چمن است اردو زده چند روز بنیای توقف  
 در سیلاق مزبور داشت که از اراده و حرکت آنها  
 خبر صریحی مشخص و مقتضای هوای کار و رویه اکالی  
 با آنجا رفتار نماید  
 استرآباد و اصفهان و مرو و جرد  
 و بسطام و خراسان و خراسان  
 ولایات نیز اخباری درین هفته بنود  
 وارالمیرا زنده ران  
 از قراکی در روزنامه مازندران نوشته اند کمال  
 ایت و اسود کی بجهت مالی و سکنه اولایت کمال  
 در عایا و بریاد در عین فراغت و رفاه بدعای بقا و  
 وجود فایض بچون هالیون و از دیاد جاه و سوکد  
 ابد معروف و میباشد لوات شاهراده لطف امیر  
 در اوایل ماه مبارک رمضان به بلده بارودش  
 رفته با مور آنجا رسیدگی نموده و کارهای آنجا تنظیم  
 کرده و در نهم ماه مزبور بلده ساری مراحتب نموده  
 و بکار توکر و رعیت بدقت رسیدگی می نمایند و عوم  
 مالی اولایت کمال رضامندی از حسن سلوک و غورسی  
 نواب معسزی البه و مقرب انخاقان میرزا اسد  
 بیگار اولایت دارند

۱۸۱۳



دیگر نوشته اند که در بیت دوم ماه مبارک  
قبل از ظهر زلزله شدیدی در آن ولایت وقوع یافت  
ولی سجد الخرابی و آذینی نرساند  
دیگر از قرار یک تسعیر اجناس مانند زردان را که  
نان یکین ده شاهی و برنج یکین هفت شاهی و سیب  
و روغن یکین سه هزار و گوشت یکین چهار  
و قدرسی و جوهری یکین پنجاه و شش هزار و سیصد  
ماکولات باین قرار است  
سمنان و شاهرود و عسراق  
و فارس و قزوین و قوچان  
و کرمان و استان آذربایجان و ایلات نیز  
درین هفته اخباری بنویسد  
کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
آن ولایت از بهر حیثت قرین انتظام و انضباط است  
و نواب مستطاب شاهزاده و الایثار عماد  
حکمران آن ولایت در رفاه و آسودگی رعیت و نظم  
طرق و سوارح اهتمامات کافی معمول میدارند در  
مسائل عرض راه عسبات عالیات در همه جا  
حسب احکام نواب مغزی همیشه مستحفظ و قراسور  
مستحفظ و حر است راهها مشغول در زوار و قافلها  
عبور و مرور عیان است از جمله یکدسته سرباز و یکدسته  
سواره در قصر شیرین و یکدسته سرباز در  
پل زهاب گذاشته شده و از سر بلای نایب  
عابرین راه صحیحاً و سالمانه منزل میرسانند و باقی

فوج و سواره با یک عراده توپ در سرحد زهاب  
ساخته باشند

دیگر نوشته اند که در فصل بهار بارندگی زیاد در  
صفحات کرمانشاهان و آن اطراف شده بعد از  
آنکه هوا اعتدال بهم رساند چند وقت بارندگی  
کرد و تا در سیزدهم ماه مبارک رمضان بارندگی  
بارندگی را که است و در دامن کوه قوره تو که نزدیک  
است پروان است و مزارع تپه کوه و بعضی  
بلوک زهاب تکرکی باریده بوده است که از قرار  
دو کور هر دانه آن بقدر نارنجی کوچک بوده است  
قریب صد و بیست روس کوسفند و نه روس  
کاوه و در اس مادیان این تکرک تلف گردیده  
و طبع صحرائی از بهر قبیل بسیار کشته شده بود  
و بزراعات آنجا نیز این تکرک ضرر رسیده  
و هم در آن اوقات تکرکی بحد پارچه مرزله و یکدسته  
از بلوک هر کس باریده و خیلی ضرر حاصل آنجا  
رسانده بود

دیگر از قرار یک نزع اجناس و ماکولات کرمانشاهان  
نوشته اند در این اوقات کندم خرواری کهنه  
و جو خرواری پنجاه و روغن یکین سی و پنج شاهی  
و برنج یکین پانزده شاهی و گوشت سه  
و نان سه شاهی و سایر اجناس نیز باین  
تعبیر داده و در اول

کرمان و کرس و استان آذربایجان و ایلات نیز  
در این هفته اخباری بنویسد

۲۱۱

### کلیان و خواب

از تواریک در روزنامه اینولایت نوشته بودند  
 عالیجاه میر حسن خان نایب الحکومه استخراجه نوبت که  
 وارد شده الهامی واعیان آنجا اورا اعزاز و استقبال  
 نموده اند و مشارالیه سم لاجاز و ورود رسیدگی  
 کامل بامور رعایا کرده بعضی رعایای داکت کلیان  
 و خراف که سبب خرابی سبیل و خستارتهای دیگر  
 بی سامان و بخارج متفرق و پریشان شده بودند  
 آنها را امید و اوی داده و با دکان و اماکن خوا  
 راحت کرده مشغول عیسی و در اعت پیاشند  
 دیگر نوشته اند که چند فقره در نوی در استخراجه  
 بود که بعضی از سارقین معلوم و اخذ اشیا سرد  
 مشکل و بعضی غیر معلوم و مجهل مانده بود عالیجاه پیش از  
 بعد از ورود و تالی سارقین را بدست آورد  
 سر و قدر از آنها مسترد و بصاحبان اموال تسلیم  
 و در آن را تمبیه مصیبت نمود و است و الهامی است  
 از حسن سلوک مشارالیه و رسیدگی بامور کمال  
 رضامندی را دارند

کلیان و لرستان و هلاک و  
 هلاک و همدان و یزدان  
 ولایت سیر درین نعت اخباری نمود

احبار دول خارجه  
 در روزنامه های سابق نوشته بودند که دولت  
 انگلیس بت و چیزی از قشون سبجی و یکصد و ده فرزند  
 شتی حبسکی بجهت مهاجرت سبجی خبر کرده است که حاضر

شده سان بدیند از فرار روزنامه مجلس کرده  
 این روزنامه رسید سان قشون سبجی و کشتیهای  
 جنگی در پورتموش دیده شده قریب یکصد فرار  
 خلق بجهت تا شام جمع شده بودند بطوریکه گرایه یک  
 و در یک شب معادل سی و هفت تومان پول این  
 رسیده بود و در ساعت شش جمع عمارات جمع  
 دکلیان و ناقوس خانها و بالای منارها و جانا  
 دیگر که در یادیده می شده مملو از مردم بود پادشاه  
 مجلس خجده قیقه نظر مانده و ارد آنجا شده و در عمارت  
 سر راه آهن سرداران قشون سبجی با شرفیات  
 و شوکت زیاده حضور ملکه آمدند و بعد از آن ملکه  
 کشتی مخصوص خود که باخت مشهور است نشسته در میان  
 کشتیهای حبسکی که در مشق و حرکت بودند عبور  
 و تفریح آنها را می نمود

دیگر در روزنامه مورخه ۲۳ ماه آوریل از طلب  
 نوشته بودند که امر غری در ۱۲ ماه منور در شهر  
 ماراشش وقوع یافت تفصیلاتش اینکه در شهر ماراش  
 موسس و کارمانی قونسول دولت انگلیس با قاضی  
 شهر منور در باب پول بختی نموده و قاضی چنان  
 و نمود کرده که قونسول با و یا بدین و ندیب او  
 محش داده است با بجهت سجد رفته و اصناف  
 و کسبه شهر را جمع نموده بعد از نماز ظهر مردم را  
 شده و با او اتفاق کرده بخانه وکیل انگلیس هجوم  
 شدند و بعد از بی احترامی زیاد بفرق او را انداختند  
 و چند تیر لنگه بفرق او خالی کردند و نهایتاً

۱۸۱۵

زیر و زبر نموده تاراج کرده و آتش زدند  
و خودش بعله آتش نسیخته وزن و اطفاش  
با یکم پنجمت سوخته و تلف گردیده بودند

دیگر نوشته اند که قشون سواره فوج عثمانیه که  
در نظام انگلیس تعلیم یافته بودند در بویک جنگی در  
حضور محمد رشید پاشا سان دادند و حرکات  
آنها بسیار مستحسن و موافق شیوه انگلیسی خوب تعلیم گرفته  
بودند

دیگر از قراریکه در روزنامه های خارجه نوشته اند  
در باچه دند یک تنگ و پاره جایی ای او قطعه قطعه  
جزیره شده است اگر چه سابقا یک لکر کاچه  
در آنجا بود اما از خیلی وقت قبل ازین تا حال و  
باد نشده با بجهت سخرالی نزدیک و مانند باقی  
شده است در این اوقات از جانب دولت  
استریه لکر گاه و ندک را بطرز ترستیه تعمیر  
میامیند و یک کشتی سخر سجه عمور در در که  
دولت اسب دارد ساخته و بدریاچه میفرستند

دیگر نوشته اند که در میان قشون فرانسه که در  
اسلامبول بودند ناخوشی تب همی عارض شده  
و بیچاره آنها پر از مرصین گردیده و بسیاری از آنها  
هم ازین ناخوشی تلف شده اند بعد از آنکه والی  
والی کردید از ناخوشی آنها خبر دار شده بود چهل و نه  
صندوق لیموده پورتو قال برای آنها فرستاده

بود که در بیچاره آنها تقسیم شود و معاصرت  
قشون فرانسه از این معنی که دلیل احترام و موافقت  
بسیار مسرور و شاد گردیده اند

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که از  
مستندان ارباب قلم از دربار عثمانی ده نفر  
بسیار لیس های تحت فرانس و ده نفر بویک جنگی  
استریه و لندن بای تحت انگلیس برای تحصیل علوم  
نظامیه و غیره در این اوقات مأمور و آنها که بسیار  
عازم بوده اند کشتی سخر پاری فرانس نوشته  
بسمت مارسیل روانه شده

دیگر نوشته اند که از کشتیهای انگلیس و مالک  
جمعه سیکی دنیا چند می پیش ازین چهارصد پانصد  
حیوان بار گیر حمل نموده با سلامبول آمد و معاودت  
کرده و کشتی سخر حسیم انگلیس که چهارصد نفر  
آدم در میانسش بوده است در ماه رجب بیکی  
رفته اند و تاکنون چیزی از آنها نیامده است  
اینکه شاید غرق و تلف شده باشند همچنان  
کشتیهای مرئوس چند کشتی از طرف دولت انگلیس  
و جمهوری سیکی دنیا تعیین و ارسال شده است

۱۸۱۶

روزنامه وقایع اتفاقیه شرح یوم شنبه بیست و دوم شهر شوال المکرم بقی اللوی ۱۲۷۲

مردودیت و شتادودو

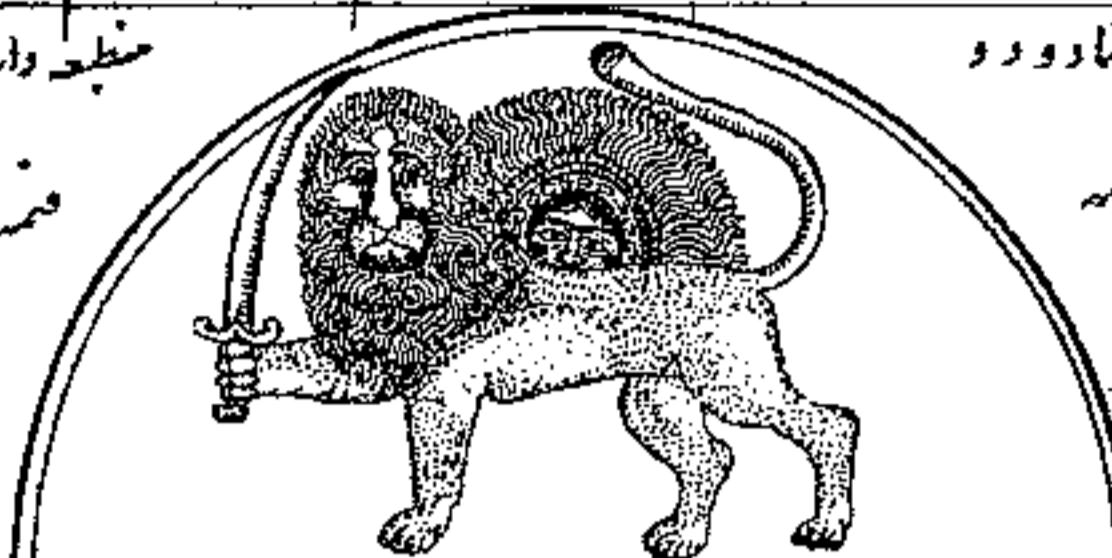
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شایر

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

برخط بر



اخبار و احوال ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بایون

اعلیحضرت اقدس بایون شاهی صان الدیام سلطه عن التماهی و رسیاق بیادوان تشریف دارند و امنای دولت علییه و مقربان حضرت کراون لبط سینه و سایر خدم و حشم بخدمت محول بخود اقدام داشته اهل سلام هرروزه شرفیاب حضور مهر ظهور خسروانی میگردند و نظر سنجی هوا و احوال اطراف بعضی روزها را خاطر اقدس بلوکانه مابین کشت و تفریح شده سوار میشوند و منزهات تفریح و تماشای میفرمایند

سرینگی سرافراز و نموده و فرمان مبارک شرف صد دریافت

عالیجاه و نتیجه الامراء العظام سردار سلطانعلی خان مظفرالدوله پیر مرحوم سردار کهندل خان حاکم قزاق که سابقاً بکتاب مبارک آمده بود بعد از آنکه از تفریبات و سوارسلوک امیر دوستمحمد خان اولاد سردار کهندل خان مرحوم متواری و فراری شدند و آنچه داشتند از آنها گرفتند او را و پیران را نیز دولت آورده با ستظهار و امیدواری تمام بجانب دربار شوکتدار بایون بارادرس سردار عبداللہ خان و جمعی از خوانین اچکزانی خانه و کوچ کردند و از جانب سنی ابجانب بایون طاعت سجد او مرتب شد و امر و مقرر فرمودند که در خراسان جا بسکن شایسته سجد خود و عیالتان مقرر دارند و از نفقه و جنس سجد اخراجاتان مرمت فرمودند که در نظر دولت اذیت نباشد کی بسیریند

۱۸۱۷

### دارالخلافه طهران

در این اوقات که موبک فیروزی گوکب عالی  
 در نیوران تشریف دارند امور دارالخلافه  
 بحسن مراقبت و اهتمام نواب مستطاب شاهزاده  
 والا تبارار دشر میرزا حکمران دارالخلافه طهران  
 و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر منظم است  
 چند روز است که هوای دارالخلافه طهران بمقتضای  
 فصل قدری گرم شده گاهی باد گرمی میوزد و بعضی  
 ارض یعنی کاری خیار و غیره را باد گرم فی الجمله نابود  
 کرده است

قراغت و اسودگی بجهت عموم مالی انولات حاصل  
 و نواب مستطاب شاهزاده والا تبار میرزا الدوله  
 حکمران فارس بحسن مراقبت و رعیت داری امور  
 انولات را به جهت منظم دارند و مقرب انخاقان  
 شجاع الملک و شیر الملک در نظم امور نوکر و رعیت  
 و انجام خدمات دیوانی اهتمام کافی بعمل می آورند  
 سال محصول اغلب بلوکات که سالهای سابقین  
 بلخ خوارکی و غیره تلف می شد سجد الله محفوظ ازین  
 بامده و رعایا و صاحبان املاک ازین معنی نهایت  
 و شکر گذار را دارند

در یوم سه شنبه ۱۳ شوال چهار نفر از الوالد  
 که مائشانی در بیرون دروازه محمدیه مدتی نمودند  
 بودند آنهارا گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده  
 اردشیر میرزا آوردند و اسباب سر و قد آنها  
 مشرود شده لصاحبانش تسلیم و آنها را حسب حکم  
 نواب معزی الیه تمبیه مضبوط نموده و چهار کرده  
 در بازار گذاشته اند و اخراج بلد نمودند و التزام گرفته  
 شد که دیگر بشهر طهران نیابند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی  
 که احضار ریشتر شده بود وارد کرده و چند روز  
 بمجاسبات او رسیدگی شده نواب مستطاب شاهزاده  
 قرار گذاشتند که بعد از فراغ از مجاسبه در دوم شهر  
 شوال روانه در باهر معدلته دارها لاین شود و نواب  
 حلال الدین میرزا را بنیابت نواب عبدالباقی میرزا  
 موده با یکصد نفر سواره شامسون روانه خط لای نمودند

### سایر ولایات

استرآباد و اسدآباد و اصفهان  
 و بروجرد و سلطام و خراسان و  
 و خوار و کلپاگان و سمنان و  
 ازین ولایات درین نفعه اخباری نبود

دیگر نوشته اند که عالیجاه لطفعلی خان سرتیب که با  
 فوج ایلات قشقایی چندی بود مأمور خدمت که کلبویه  
 بود در این اوقات نواب شاهزاده میرزا الدوله  
 از مأموریت آنجا حواسته و عالیجاه علیجان سر کرده  
 سواره شامسون را حلقه داده با چهار صد نفر سواره  
 شامسون ابواسمعیله مأمور که کلبویه کرده روانه نمودند

### فارس

از خوار که در روزنامه فارس نوشته اند کمال

که مشغول نظم امور انولات باشد

۱۸۱۸

دیکر نوشته اند که حاتم خان نام از طایفه نفر که از حمله سارقین مشهور و سالها بزدی و قطع طرق و اذیت عابرین و مترددین می نمود و حکام سابق هر چه میخواستند او را بدست میآوردند میر می شد و در این اوقات نواب مستطاب مؤید الدوله او را از مقرب الخاقان محمد قلیخان اینجانی حکم خوانستند و مقرب الخاقان مشارالیه نیز او را فرستاده گرفتند و خدمت نواب معری ایله فرستاده چون ریاض مصدر سرفت و شرات و سگ دما شده بود و او را در نظام سیاست نموده نیز برای عمل خود رسانیدند

دیکر نوشته اند که در این اوقات فیما بین جماعتی و قفقائی و الوار که کسلویه نزاعی واقع شده و جماعتی بختیاری جمعیتی کرده بودند که بر سر طایفه قفقائی و الوار که کسلویه بیانده چون این چشم قفقائی در سر حد فیما بین این دو طایفه نشسته اند و اگر میان دو طایفه نزاع بشود حارث باین چشم قفقائی میرسد لهذا نواب مستطاب مؤید الدوله حکم نمود که مقرب الخاقان محمد قلیخان اینجانی از فرود آمدن کوچیده بزودی باین سرحد برود و بظنر که خدا ما بین آنها را اصلاح و التیام بدهد که رفع منازعه طریقین شده است

دیکر نوشته بودند که قورخانه شیراز چون کوهک و محضر بود و فضای شایسته و بیوتات حکم بجهت آنها و غیره نداشت نواب مشارالیه مؤید الدوله حکم خوانستند بجهت قورخانه معین نموده مقرب الخاقان علیخان

شجاع الملک مقربو استند که با تمام برساند و مقرب الخاقان مشارالیه نیز بنا و عمله زیاد بکار عمارت قورخانه فروراند اخته از روی جد و استقام مشغول بنیاتی میباشند و عنقریب قورخانه بسیار خوب شود و محکم مشتمل بر بیوتات حکم در اینجا ساخته خواهد شد

دیکر نوشته اند که نواب مشارالیه مؤید الدوله در لیله ماه مبارک رمضان هم بجهت ظهور انقاص نسبت بویکی و سه بار و موسم برای حصول دعای خیر بجهت وجود فیما بین اقدس عالیون شایسته فرار دادند که بکل فرار اول مستحفظ توپچی و سه بار که در دربار خانه وارک استند و فقر او بینوایان که عا کرده اند بپایشند اظهار از کارخانه نواب معری لیس داده شود و تا آخر ماه مبارک مستند استند

دیکر نوشته بودند که در ۲۲ رمضان دو نفر جوان بسن پانزده و شانزده ساله مسجد قشمر در مای غیر و عطا حاجی ملا محمد شیمار باستماع مرعطه نشسته بودند و مرعطه هم در ذکر فضایل و محامد جناب مولای معین امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و بعد از انقضای مجلس مرعطه آن دو جوان با هم در سخن مسیر میکردند و یکی از آنها اظهار وفور ارادت و فرط عقیدت نسبت بجناب امیر المؤمنین می نمود و نقش گفت اگر راست میگوئی سر خود را در راه جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام بده او نیز فرود آید و تا مل چاقوئی از جیب خود در آورده بقوت تمام بکلوی خود کشیده در برید و چندان کشاکش داد که دستش از قوت افتاد

۱۸۱۹

از پای درآمد خوشان و کناد مطلق شد او را بر  
 و جراح حاضر کردند که شاید بجهت نماند و خوب شود  
 ولی کار از معالجه گذشته بود و بجهت و هم فایده  
 نگردید بعد از و روز در گذشت  
 دیگر از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند  
 معرب الخاقان حاجی قوام الملک امیر آلو لایب را  
 نظام کامل داده و از اتهامات عالجه مجسمه  
 میرزا حسینعلی خان دریا بکی و حاکم بو شهر نهایت  
 امنیت و انتظام در آلو لایت حاصل است و هر  
 از چاکران دیوانی که مامور توقف اینجا است در  
 کار و خدمت خود سعی و بهراقت و انجام صدای  
 محو که بخود مشغول میباشند توپچی و سرباز متوقف  
 اینجا را در ماه مبارک رمضان از مشق معاف  
 کرده بوده اند و امالی آنها در مساجد و معابد عبادت  
 و انتظامات عالی و عالی شتال شده اند  
 هم در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند که در  
 دیو در بلوک و شتی ماران غطیسی آمد که بچکس مارند  
 مابین شدت در آلو لایت بخاطر نهشته است رود  
 اینجا که از سامان ریارت و پرد و خون بدریا  
 از شدت بارندگی طغیان سخت کرد بطوریکه از  
 هر طرف رودخانه تخمینا یک فرسخ زمین را سیلاب  
 فرو گرفت و آرد و دامانی که در کنار رود مزبور بود  
 همه را سیلاب خراب کرد و آنچه دواب و غنایم بود  
 در ریاریخت و از کف اصل رودخانه تخمینا نیمی  
 جج رزغ آب بالا آمد بود اگر چه حاصل اطراف

رودخانه را از هر طرف بقدر یک فرسخ که سیلاب  
 تلف نمود ولی بعد از رفع بارندگی و سیلاب بان  
 زمینها را حاصل دیگر از قبیل بنه و هندوانه و خربزه  
 کاشتند و بسیار خوب ببل آمد و بجهت آمدن سیلاب  
 خارج را بان زمینها تا ده سال غله در آن زمین  
 خوب ببل می آید و در آنجا که رودخانه بدریا میرزد  
 و بی زیر رود نام از بلوک برد و خون در آنجا واقع است  
 چون از سه طرف آب رودخانه طغیان کرده و بطوریکه  
 نیز دریا بود و خوش صحرایی خود را بر سر تنی مرتفع که در  
 نزدیک ده منوبات کشیده بودند تخمینا بعد چاه  
 آه و خرکوشش و کار بودند و از دست سیلاب  
 بیکدیگر تعرض نمیکردند بعد اهل آنجا مطلع شدند  
 تمامی آنها را امید کردند و در سامان هم وزیر و باها  
 که سر آب رودخانه است تخمینا ده هزار اصله نخل و گیاه  
 چهل خالو از آباد دواب بکلی سیلاب تلف نمود که اثر  
 از آنها محسوم نگردید و هم دیو از دشتی برستان  
 نام که در یک فرسخی بندر کنکان واقع است حوزی دارد  
 که آب از آن خور بدریا میرزد و با اینکه ده منور نیم فرسخ  
 از خور دور است آب خور چنان طغیان کرد که قلعه و  
 خانه محکم را که از سنگ و گل ساخته بودند خراب نمود  
 چون روز روشن بود که این حادثه در گرفت بقیه  
 اهل آنجا تو هستند که فقط عیال و اطفال خود را بگوشه  
 از آن مهلکه جان بدر بردند و اموال و اثاث آنها  
 بکلی تلف شد بطوریکه اثری از قلعه و ده باقی نماند  
 در این اوقات حیدر خان ضابط آنجا اتهامی دارد

۱۸۲۰



که در روز پنجشنبه آبادی در آورد ولی خسارتی نماند  
بابلی آنجا وارد شد است

دیگر نوشته که مقرب انجاقان حاجی قوام الملک سنجی  
حصول دعای سلامتی وجود فایض انجود اقدس  
ها بون شایسته ای بوشهر را گفت کتبا چهار سیرج  
حاضر کرده و آنها را بلبس داده همگی بلوازم و عا  
اقدام نمودند

قرئین

از قراریکه در روزنامه قرئین نوشته اند امور  
انولایت اخشن مراقت نواب مستطاب شاه  
والا تبار عبد الصمد میرزا و رسیدگی مقرب انجاقان  
حاجی حسنعلیخان پیشکار قرئین انتظام و انضباط  
و انالی انولایت در عین رفاه و آسودگی بدعا  
از دیاد عسرو دولت دشوکت اقدس طایون  
شاهشاهی رطب لسان میباشند و مقرب انجاقان  
حاجی حسنعلیخان ایام ماه مبارک رمضان را  
قدغن نمود که مباشرین مطالبه بالیات از رعایا  
و حواله اطلاق نمایند که آسوده خاطر بلوازم  
طاعات و عبادات اقدام نمایند و رعایا ازین  
مرحله کمال شکر گذار بر او داشته اند

دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه رمضان المبارک  
بعد از ظهر قریب دو ساعت تکرک بسیار شد بد  
اند از دغایت و بلوکات فوج خبری نرسیده بود  
که تکرک در آنجا چکیده باشد ولی باغات دور  
شهر که معلوم بود کما بیش میوجانش از تکرک خراب

و تلف کردیده است و کمان داشتند که بلوکات  
در دلت نیز از تکرک خسارت رسید به

دیگر نوشته بودند که امور شهر و محلات قرئین در  
کمال نظم است و وزدی و سرقت بسیار کم اتفاق  
می افتد بلکه در این اوقات نوعی استقام درین باب  
شده و کز مه و سختین مراقت بلعل می آورند که در شهر  
مطلقا وزدی نمی شود و همچنین امور طرق و شوارع  
بسیار منبسط و فراسوران دستخط در هر راه  
سجقت و مراقت مشغول و عابرین دستزدین با آنها  
آسودگی عبور و مرور نمایند

قسم و کاشان و کر وستان و کرمان  
و کرمانشاهان و کر وکس ازین ولایات  
نیز درین مهله اخباری نبود

کیلان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته بودند خبری  
بود که در آنجا نا خوشی و با بروز کرده بود این اوقات  
احمدت از قفلات خداوندی رفع شده از اکثر  
جایای آنجا که نا خوشی و قوع یافته بود رفع شده  
مثل این است که هیچ نباشد

دیگر نوشته بودند که امور انولایت از حسن مرا  
و عوزرسی و استقام امیر الامراء العظام عمید الملک  
قرین انضباط و انتظام است و هر روز از صبح  
الی ساعت از شب رفته در مقر حکومت نشسته  
هر کس را عرضی و مطلبی بوده باشد بلا مانع خود  
آمده عرض نمایند و بعضی اور رسیدگی شد موافق عدالت

۱۸۲۱

و انصاف حکم آن می شود و عموم امانی آن ولایت  
 کمال شکر گذار بر او دارند و در رفع بعضی بدعتها و  
 که در ازمنه سابقه برود در اول ولایت متداول  
 شده بود نهایت اتمام می شود و با اینکه این در آن  
 ولایت از آنکه مالک محروسه ارزانه است بجهت  
 پیکش و سبیلانی که بصف لعل بند رسم کرده بود  
 لعل بندی سواری دو هزار و بیشتر قرار شده بود  
 درین باب قدغن آگید شد که تعارفات اتباع  
 حکومتی که از سابق متداول شده با لطمه موقوف  
 و متروک باشد و کئی بیج رسم و رسم دنیا  
 از صنف مزبور نگیرد و از صنف مزبور نیز الزام  
 گرفته شد که دستی چینی لعل نمایند و ازین قرار  
 تخلف نمایند و همچنین در سنگ اوزان رشت  
 اختلافات فاحش بهم رسیده بوده که سبب از  
 قلب اجناس را سنگ زیاده می خرید و سنگ  
 سفید چینه درین باب نیز قدغن شده سنگ  
 آهن بوزن تمام ساخته و مهر نموده تمامی کسب  
 داده شد که بغیر از آن سنگها داد و ستد نمایند  
 و اگر سنگهای دیگر داد و ستد نمایند مورد  
 مواخذة باشند و هم چنین قمار بازی را که پیش  
 سابق وجه مانع او را نقد و جوه میدهند بکلی  
 موقوف کرده و قدغن شد که احدی مرکب  
 علی قمار بازی نشود و دیگر در شهر آخر ماه رمضان  
 یک نفر در عظام علی نام که از سارقین مشهور بود  
 و مدتها در محال کسب آن سبقت اقدام داشت

۱۸۲۲

و علاوه بر فعل شیخ سبقت در مقام عمل قبض  
 نسبت بان رعایا و رعایا و دلقین بر می آمد  
 دستگیر شده و نیز دامیر الامراء اعظام علی ملک  
 آوردند بعد از تحقیق و اثبات قباچ اعمال او او را  
 سیاست شالسته کرده و در بازار گردانده  
 و شتر او را از سر اهل آنجا رفع نموده همه مردم از  
 این حمله کمال شکر گذاری اقدام نمودند و نیز  
 سارق و دیکر اسبی در زیدیه بودند آنهارا نیز  
 گردانده اسب مسرود از آنها دریافت و بعضی  
 تسلیم و آنها را توبه مصبوط نموده حسب حکم مجرب  
 بجهت امیر الامراء اعظام مشارالیه نظر معقولیت خود  
 و اقبال حکم و استرضای خاطر اقدس شاهنشاهی  
 امانی آنجا را بحسن سلوک شاکر و مسرور و اغلب  
 اوقات خود را در انتظام امور ولایت و امور  
 توکرو رعیت مصروف دارد و با کمال کفایت و  
 غوررسی در کارها دست تطاول شرار و سارقین را  
 از سر عجزه و مناکین کوتاه کرده هیچ کس  
 تعدی و حرکت ظلاف حساب ندارد و رعایا  
 بر ایا اسوده خاطر بدعای لغای وجود فانی بود  
 جانین و از دیاد شوکت و دولت ابد مقرون  
 اشتغال دارند  
 کارند ران و ملایر و شاد و نند و بهمان  
 و نیز در این ولایات نیز درین وقت اخبار  
 نبود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم مهر سال ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران

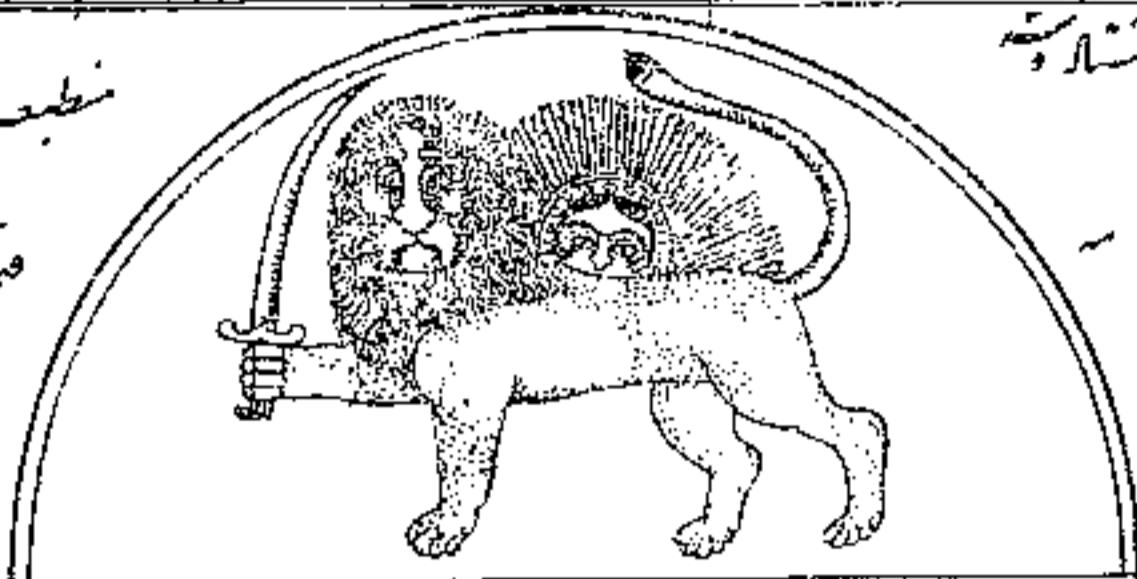
نزهت و لذت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط یک ریال

هر نسخه ده ریال



اجبار و حسد مالک محروم شاهای

ارووی هایون

اعلیحضرت قوی شوکت شاهساهی در سلاطین  
نیادوران تشریف دارند و در این اوقات که  
موسم گرمای تابستان است هوای نیادوران  
نسبت سایر جاهای کمال برودت و صفار دارد  
و از هرگونه میوه و آوان و ارزانت و بر وجود  
فایض ایجو ده هایون بسیار خوش میکند و در  
روز دوشنبه گذشته بجمارت کاشانک ملکی جناب  
نظام الملک که در جنب نیادوران و بحسب صفا  
بهائیت امتیاز دارد بصیافت جناب نظام الملک  
تشریف فرما گردیده و از جانب جناب معری  
لوازم پیکس و پای انداز و قربانی بعل آمده مرا  
خدمتگداری او مقبول دستخس خاطر لوکانه افتاده  
بهار را در آنجا صرف فرمودند و تا عصر در آنجا  
تشریف و بشته بعد از صرف عصرانه و چای  
بجارت نیادوران مجاهدت فرمودند

چون مقرب انخافان محسود خان قراکوزلو  
مراتب صداقت و ارادت خود را در راه خدمت  
دولت ظاهر و بر خدمتی که مأمور شده اند کفایت  
و کار دانی از او مشهود گردید علی الخصوص در امور  
سفر بطریق کمال که موافق اراده علیتیه هایون در  
استحکام میانی دولتین ایران و روسیه از  
سجی و اخفی و جهد کافی مضامینت نمود در نیوقت  
که حسب الامر احضار رکات مبارک گردید در  
ازاء خدمات مشارالیه منصب میرمنجی کی که  
از اجتهاد صاحب این دولت علیه است حجت  
و فرمان مهرلعان هایون شرف حد در یافت  
با عطای خلعت افتاب طلعت مبارک منقح و  
گردید  
نظر بسالسی و قابلیت و خدمتگداری عالیجاه سرزاد  
جعفر خان یا در توپخانه مبارک که سالهاست در تحصیل  
نظام رباط نامی حاصل نموده و مسواره در کباب مبارک

۱۸۲۳

خدمت بود محض بر صحت ملوکانه عایجا به مشا رالیه  
جلیل سرینکی تو پنجاه مبارک که حسب فرمان جهان نظام  
سرافراز و کیلطاق شال ترمه نیز با و خلعت حرمت

دارالخلافه طهران

نهایت انتظام و امنیت و وفور هر گونه نعمت در دارالخلافه  
طهران حاصل است و چاکران در برابر بانیون  
دارالخلافه مبارک که هر یک در انجام خدمات محله  
سجود مشغول و مراقب انجام خدمات و مهلتها  
میشوند و کسی قدرت حرکت خلاف حساب  
و اگر اجابت کسی مرکب سرارت و هرزگی وقت  
نبود در مقام مواخذه و تنبیه برمی آید از جمله چند  
نفر درین روزها مرکب سرقت و شرب شده بود  
آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده  
والا بتبارار د شیر میرزا حکمران دارالخلافه آوردند  
حسب احکام نواب معزی البیه و اخور نصیر بر یک  
تنبیه شدند

درین روزها اخوند ملا کاظم که از جمله فقها و مجتهدین  
دارالخلافه مبارک بود داعی حق را البیگانه  
گفته سب و حرمت ایزدی پیوست و جنازه او را  
با نهایت احترام برداشته امامی شهر و ضعیفان  
بتشیع جنازه حاضر شد و مجلس فاسخه او را در  
شاه گذاشته علمای اعلام و سادات ذوی  
واعیان و اشراف و امامی دارالخلافه تا سه روز  
بمجلس فاسخه بقعه لیزان مجلس فاسخه را چیدند

سایر ولایات

آذربایجان و استرآباد و سواد  
و اصفهان و بروجرد و لیساطام و سمرقند  
ازین ولایات درین محله اخباری بنود

حمت

از قرار یک در روزنامه حمت نوشته اند عایجا به  
چراغعلی خان در پانزدهم ماه مبارک رمضان وارد  
انجام شده و اعیان و اشراف و عسوم امامی  
لوازم استقبال را بعل آورده اند و مقربان خان  
مشا رالیه بعد از ورود امامی انجار العواطف ادبانه  
دولت جاوید مدت علیه امید داری کامل و لذت  
همگی شادمان و مسرور بدعای بقای وجود فانی  
قدسس بانیون و از یاد شوک دولت امیر  
اقدام نموده اند

یکر نوشته اند که از استقامت و مراقبت میرزا  
چراغعلی خان نهایت انتظام در امور آن ولایت  
و دست تطاول اشرار بکلی کوتاه شده کسی قدرت  
حرکت خلاف حساب ندارد و حضور صاحبان  
که سابقا سرقت و هرزگی و اهل حسه را اذیت میکردند  
در این اوقات مطلقا از آنها بیخیالی ظاهر نمی شود  
و امامی حمت ازین مرحد کمال شکر گذارند و اثر  
و امور طرق و شوارع منظم و مضبوط و عایب  
و مترودین در نهایت آسودگی عبور و مرور می نمایند  
از بابت حاصل قدری تشویش سببه امامی حمت  
حاصل بوده است ولی در ماه مبارک رمضان باره  
کامل شده و رفع تشویش امامی انجام گردیده است

۱۸۲۴

و مقرب انخاقان مشارالیه ایام ماه مبارک  
 رمضان را سبب حصول دعا کوفی قدغن کرده بود  
 که مباشرین از بابت مالیات حواله و اطلاق <sup>بینه</sup> بنا  
 تاریخا استوده خاطر در مساجد و معابد بوظایف  
 طاعات و دعا کوفی اقدام نمایند تا قدری کرامت  
 و کم یاب بوده است عالیجاه میرزا ولیخان <sup>بنا</sup> پیش  
 قبل از ورود حاکم ریاده از باطن حضرت و ارغله از  
 کسافی که غله انبار کرده بوده اند گرفته سجماعت  
 چهار داده و سخاوت از از خبازان تعیین وقت  
 دریافت و لصاحبان غله تسلیم نموده و بعد حکم کرده  
 جار کشیده اند که هر کس بخواد در خانه نان بپزد و  
 بیاد در در سر کوچه بفرشته تا دون است کسی  
 مخالفت نخواد نمود درین بین از تفضلات الهی  
 بارندگی خوب و بوقوع نیز که شده است نرخ  
 غله تنزل کرده و ارزان شده و با افضل نان  
 و خوردار و فقرا و غریبا ازین معنی استوده خاطر  
 دیگر نوشته بودند که بعضی اشخاص سخاوت از مردم  
 گرفته بودند و در ادای آن تعلل می نمودند و  
 مجادیر می شدند در این اوقات که فهمیدند که  
 مقرب انخاقان مشارالیه در احقاق حق وقت تمام  
 تمام وارد دیده کاران بدون عذر و وضع الوقت  
 طلب مردم را کار سازی می کنند و کسی طلب  
 حساب با کسی نمی تواند رفت را بکنند  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا محمد علی در شب وارد

ماه مبارک رمضان در خانه شخصی مهمان بوده است  
 و وقتی که سخاوت خود را حبت کرده بود دیده بود که  
 در زو سبب او را در طویلین زمین کرده اند که بر  
 سارقین و زار اختیار کرده بودند مشارالیه  
 بجایجاه میرزا ولیخان اظهار داشته و بدارنده  
 قدغن شده بود که حکما در دارا پیدا نماید بعد از  
 دو روز یک نفر از آنها دستگیر کرده و محکوم شده  
 بود که از جمله قاتلین حسین بیک اردل است که سخاوت  
 اسی نیز سرفقت کرده بگریزد او را محبوس نمود  
 و مراتب را با بنای دولت علیه معروض داشته  
 تا به آنچه حکم از دربارها یون صادر شود و محمول دارد  
 خوانان و کلپاچان و سمنان و عراق  
 ازین ولایات نیز درین نفعه خبری نبود

### فارس

از فراری که در روزنامه فارس نوشته اند امر  
 اتولایت احسن مراقبت نواب مستطاب <sup>قدو</sup> موند  
 قرین انتظام است و حسب احکم نواب معزی ایام مقرب انخاقان  
 مصطفی علیخان میرنجه با پنجه آده توپ یکباره چهاره  
 و توپچی و قورخاچی و دو فوج فدوی قراکوزلو  
 مامور انتظام صفحات لار کرده در بیستم ماه  
 شعبان از شیراز حرکت دور یازدهم ماه  
 مبارک رمضان وارد حفظ لار کرده و دیده و آورده  
 روزه انالی آنجا لوازم استقبال را بجهل آورده اند  
 و بعد از تنظیم امور آن صفحات در بیستم ماه فروردین  
 از آنجا حرکت داده وارد شهر لار کرده است

۱۸۲۵

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرنک  
 تو بخانه مبارک باز دید تو چنانچه ابوبکر محمدی خود را بعد  
 ورود و دستخط لار نموده با اسبک در راههای آنجا  
 کتلهها و گردنهای معتد و سخت واقع و عبور تو  
 از آنجا با کمال صعوبت را دار و تو چنان سعی  
 و اهتمام زیاد نموده و تو چهار ماهی غیب و نقص از  
 عقبات سخت گذرانده و مقصد رسانده بودند  
 و اسبان تو چنان نیز در کمال فریبی و دماغ بودند  
 و تو چنان با نهایت خوشوقتی و دلگرمی و انتظام  
 وارد خط لار نموده و امور آنجا را از هر باب منظم داشته  
 عالیجاه مقرب آنجا خان مصطفی قلیخان میر سید الطاهر روز  
 رضامندی از نظم و کار دانی عالیجاه مشارالیه  
 و حسن سلوک تو چنان ابوبکر محمدی نوشته است  
 و همچنین عالیجاه علیقلیخان سرنک فوج خرقانی از آنجا  
 نوشته بودند در ایام توقف در خط لار فوج خود را  
 با کمال نظم داشته و خدمات محوله بخود را با کمال  
 خوبی و معقولیت با انجام رسانده و امانی آنجا از حسن  
 سلوک مشارالیه و نظم سربازان ابوبکر محمدی بسیار  
 رضامندی داشته اند و مقرب آنجا خان مصطفی قلیخان  
 میر سید فوج عالیجاه مشارالیه رسان دیده و بدقت  
 رسیدگی نموده انتظام و اراستگی تمام داشته  
 و از حسن خدمتگذاری و مراقبت عالیجاه علیقلیخان  
 بسیار عیب و نقصی در کار فوج مزبور نبوده و  
 منتهای رضامندی از او داشته اند  
 دیگر نوشته اند که مقرب آنجا خان مصطفی قلیخان

۱۸۲۶

میر سید بعد از ورود دستخط لار امانی و اخیان آنجا را  
 بعواطف اولیای دولت جاوید مدت علیه لگرمی  
 و امیدواری تمام داده و عمال و مباحثین  
 صفحه جات مزبور را احضار کرده و قرار داده و  
 وصول و حصول مالیات دیوانی را بطوریکه  
 رعایا در رفاه باشند داده و عسوم رعایا  
 آنجا با کمال خرسندی و دلگرمی مشغول رعایت خود  
 و دعا گوئی ذات اقدس بپایون شایسته  
 و افواج قاهره متوقف آنجا را با انتظام تمام  
 انجام خدمات محوله بخود دارد و هر روز در  
 دیوانخانه نشسته و بر این مطالب مردم وقت  
 و غوررسی کمال مینماید و در ایام ماه مبارک صیام  
 از سه ساعت از ظهر گذشته الی طلوع فجر اوفا  
 خود را مصروف رسیدگی امور ولایت داشته  
 امر بزرگ رعایت داشته و بحسن کفایت و کار دانی  
 و سلوک و مهر بانی امانی آنجا را خرسند و سرور  
 دارد و کسیر قدرت شرارت و بزرگی و  
 و خلاف حساب نسبت بد بگری نیست و از  
 هرگز از آذوقه و اجناس ماکولات و غیره در آنجا  
 فراوان است مگر غله که اسالی بجهت کم آمدن باران  
 در آن ولایت فی الجمله بجز داشته است و مقرب  
 میر سید آدم و دو اب معین کرده و روانه نموده است  
 که عند استیاع و دستخط لار حمل و نقل نمایند که  
 سیورسات بزرگ متوقف آنجا آمده باشد  
 و عسرت نمیشند

### اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه خارجی نوشته اند از مرگ  
 زادگان دولت پورتو کال شخصی که نفوذ و اطلاق  
 او بسیار و حساب و شماری آید اغلب اوقات خود  
 وقت سیاه و سخت نموده و از آنجا که در دنیا عمر  
 آدم بیکار رود میگذرد مشارالیه در مسکات پیر  
 عمرش بدرجه کمال از زندگانی دلنگاشته  
 بفکر فراهم آوردن اوضاع پاک کردن خود افتاد  
 باین خیال خوابش برده بود در عالم خواب  
 بود که پیری را ببیند و بروی او آمد و گفت که تو  
 خود را تلف خواهی نمود و لکن صبحگاه از در خانه که  
 بیرون میروی زنی که بتو است می آید او را ترجیح  
 میکنی که زانی تو از بلای هلاکت باین واسطه مقرر است  
 مشارالیه بیدار شده و عفتش بر سرش آید  
 در ب خانرا کشود و با طرف و جوانب فکر است  
 زنی بصورت که ایان در لباس مدرس کشف  
 که کودکی سه ساله همراه داشت با و رو برد  
 اندکویا ملاحظه خوابی که دیده بود مگر فتن او را  
 هلاکت خود دانسته بفکر فرورفت و ضعیف  
 مزبور به رسم گدی و سنوال پیش آمده چیزی  
 خواست آن شخص پرسید که پدر این کودک که  
 همراه داری کس است و در کجاست و چون خواب  
 درستی نشید بر طبعش کران آمده فکرش زیاد  
 شد بلاخره دست کودک را گرفته و ضعیف را  
 نجات خود تکلف نموده و بعد از بردن او بخانه

سخت ز را با طفلش سخت و شود آده و لباس  
 فاخر با نهار پوشانده از زن چون ما میاره بسیار  
 خوشش کل بنظر او جلوه کرده او را برای خود عقد  
 و با او صاع تمام عروسی نموده از فکر کشتن خود خلاص  
 یافت و بعد از آن رانا برای فرال فرستاده  
 بود که شایه معلوم ناید کس کسی او را شناخته  
 و از حرکات بی تربیت کودک که از او استنباط  
 با بچه مشارالیه اینکه خواب دیدن و ترویج گدا  
 سبب رفع خیال طمأنینه شدن مقام تعجب است  
 در هر صورت اختر طالع آن زن از برج دولت  
 طلوع کرده با فقر و فاقه که شبها در کفنها سر میبرد  
 حال صاحب عمارت عالی و قصور مرغوب کرده  
 عیالی بزرگ محترم شده است  
 دیگر نوشته اند که در ایام بیت و پخیال پیش این  
 که فرال دولت اسپانیول فوت شد وصیت  
 کرده بود که دخترش بجای فرال باشد و حال  
 اینکه موافق قانون دولت اسپانیول سلطنت  
 معمول بود در آن اوقات بهمان سبب اختلاف  
 دولت مزبور روی داده بالاخره مشارالیه  
 غلبه و استیلا یافته بقرالت اسپانیول  
 گردید و بعضی از ذول یورپ بقرالت او را  
 تصدیق کرده و بعضی دیگر تصدیق ننموده بود  
 از جمله امده اطور سابق دولت روس و الت  
 او را تصدیق نکرده بود در این اوقات که  
 دول در احوال حاضره منعقد شد درین ضمن

۱۸۲۷



ر هس قرالیت ملکه اسپانیول را نیز تصدیق نمود  
و نامه مخصوص رسال داشته است

دیگر نوشته اند که از کوههای سوزنده سنگ  
گداخته که سنج میشود و بزبان فرنگی و لغاتین میگویند  
پیش ازین در حالت که اختکی شل شیب چیر نمصر فی  
بود در این اوقات یکی از مفر مندان انگلیس

ادقوق نام سنگ مزبور را با اجزائی بسوزان  
آب کرده و سکی اعلا از آن حاصل نموده و بهر  
کاری می آید و بروی او چیزهای نفیس گذاشته  
میشود و این گذارش بفرانس و سکی دنیا  
نموده و حاصل کردن این نوع سنگ قومیا

مخصوص ترتیب داده اند و در بعضی جایها از  
سنگ بقدر سنج خانه بنا کرده اند و بروی  
سنگهای مزبور نقوش و تصنیفی که میشود بسیار  
ظریف و خوب بنظر می آید و قیمت نیز از آنرا گران  
مستند

دیگر نوشته اند که از دولت فحیمه روسیه  
سفیر دوم و مدخض مجلس مکالمه پاریس جناب  
بره لوف سجه دادن بیان نامه رسمیه فوت  
امپراطور سابق روسیه و جلوس امپراطور  
دولت مزبور در عرّه ماه گذشته شعبان بطرف

لندن عازم شده است  
و همچنین سجه تجده حقوق دوستی و مصافحات  
مابین دولتین فرانس و روس از جانب امپراطور  
روسیه علیک اذرد دوم مامور و مدخض مجلس

مکالمه پاریس جناب قونست ابولوف در اختتام  
مجلس مزبور نامه رسمیه جلوس امپراطور سابق  
و تهنیت تولد و تعجید دولت فرانس نابین  
سیم را تبریک نامه خدمت امپراطور فرانس  
داده و مبنائی مخالفت و داد دولسین را  
مستند نموده است

دیگر نوشته اند که سجه ساختن راه آهن  
بعضی عمارات دیگر در مملکت پور تو قال قرال  
سه هزار ملیان لیرا که لول انولات است قرص  
کرده و مسند مزبور را قرار داده که بمباشرن  
راههای مزبور تسلیم شود که مشغول ساختن باشند

دیگر نوشته اند که از واورمانی که در نهرهای فرانس  
کار میکنند و نهرهای مزبور را تنقیه مینمایند یک واپور  
در مسکامی که سالها با سلاصول می آمد و در محاذی  
دامه سرای بیک واپور بزرگ مسه سجه توج  
آب خورده سنگسته و غرق گردید که ترا یک واپور

دیگر جلب کرده سجه تروت و در نهر بلون و راه  
گذشته شعبان بطرف و از نه ارسال شده  
و واپور مزبور از وسط همالک فرانس حرکت  
و بوسط همالک مس عبور و مرور او معین گردیده است

مع

۱۸۲۸